ذره بین

فرافکنی‌های دولت سیزدهم پایان ندارد

همه چیز تقصیر دولت روحانی است!؟

فشار انتقادها از عملکرد قریب ۲/۵ ساله دولت سیزدهم به‌ویژه در حوزه اقتصاد چنان افزایش یافته است که یک نوع سردرگمی در راهبرد رسانه‌ای دولت برای پاسخ به این انتقادات فزاینده به شکل محسوسی، مشهود است. دولتی که ادعا می‌نمود: «۷۰۰۰ صفحه برنامه» برای ساماندهی وضعیت کشور تدوین کرده و «زبان دنیا را بلد است» و بدون رفع تحریم‌ها نیز می‌تواند، رفاه اقتصادی مردم را تامین کند، تیمی از چهره‌های ناشناخته برآمده از دانشگاه امام صادق (ع) و برخی محافل خاص سیاسی را در حساس‌ترین مناصب اقتصادی به کار گمارد. ماحصل این برنامه‌ها آن شده است که اجاره‌بها در خوشبینانه‌ترین حالت و بر اساس آمارهای نه چندان قابل اتکا دولتی در دولت سیزدهم ۱۵۱ درصد رشد کرده است، منتقدان رشد واقعی اجاره‌بها در طول دوره دولت رئیسی را حداقل ۲۰۰ درصد برآورد کرده‌اند. قیمت ارز که شاخصی مهم برای نشان دادن کاهش ارزش پولی ملی و جایگاه واقعی اقتصاد کشور در معادلات اقتصادی بین‌المللی است در طول این دولت، رشدی بهت‌آور داشته است. نرخ دلار در آغاز به کار دولت سیزدهم قریب ۲۵ هزار تومان بود و در حال حاضر قیمت آن از ۵۳ هزار تومان نیز فراتر رفته است. نرخ سکه از ۱۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان در زمان تحلیف دولت جدید به بیش از ۳۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسیده است. بر اساس سنت‌های اقتصاد بازار در ایران، نرخ دلار و سکه معمولا زمانی به شکل غیرمنطقی جهش پیدا می‌کند که باور عمومی به توان دولت و برنامه‌های اقتصادی آن به شکل جدی تضعیف شده باشد و مردم تلاش کنند که سرمایه خود را به‌جای بورس، تولید و اشتغال مولد در قالب ارز معتبر خارجی و طلا و سکه چمدانی و سریع‌البیع نگهداری کنند. رسانه‌های حامی دولت فعلی و مسئولان دولت سیزدهم از جمله وزیر اقتصاد در مصاحبه‌های مختلف مدعی بودند که اگر دولت جدید بر سر کار بیایید، قیمت کالاهای اساسی طی یک دوره کوتاه کاهش خواهد یافت، در ماه‌های اخیر نرخ کالاهای اساسی چنان افزایش یافته که کارشناسان در مورد رواج سوءتغذیه و فقر غذایی هشدار داده‌اند. نرخ راسته گوسفندی در ابتدای دولت سیزدهم قریب ۱۳۰ هزار تومان بود، قائم‌مقام وزیر جهاد کشاورزی اخیرا اظهار کرد که نرخ گوشت قرمز «حول و حوش ۶۰۰ هزار تومان است و گوشت تنها در مغازه‌های بالای شهر ۷۰۰ هزار تومان قیمت دارد!.» قیمت مرغ نیز در طول دوره دولت سیدابراهیم رئیسی بیش از ۳۵۰ درصد افزایش یافت. هیچ کالای در بازار نیست که نرخ آن در این دوره ۲ سال و نیمه قریب چند صددرصد رشد نیافته باشد. در حالی که مسئولان اقتصادی دولت مدعی بودند که وضعیت بورس طی حداکثر ۲ تا ۳ ماه به سبزپوش خواهد شد، رخ سرخ تابلو تالار شیشه‌ای بسیار زودتر از انتظارات عیان شد. بر اساس آمارها از ۱۶ مرداد ۱۴۰۰ تا ۱۵ مرداد ۱۴۰۲، ۹۷ هزار و ۶۴۶ میلیارد تومان پول حقیقی متعلق به سهامداران خرد و اشخاص حقیقی از بورس تهران خارج شده است. به گفته کارشناسان این وضعیت نشانگر سوءمدیریت عمیق دولت در مدیریت بازار سرمایه کشور است.

عملکرد ناکارآمد

دولت پس از فساد ۳/۷ میلیارد دلاری پرونده «چای دبش» و مطرح شدن مورد مشابهی در حوزه برنج تنها به این نکته اکتفا کرد که تخصیص ارز به شرکت‌های مورد اشاره واردات برنج قطع شده است، بدون آنکه حتی یک نفر را به‌عنوان مسئول فسادهای اخیر به افکار عمومی معرفی نماید. وضعیت معیشتی و شرایط فرسایشی اقتصاد تاثیر عمیق خود بر روح و روان مردم را نشان داده است. مرکز مطالعات شهرداری تهران با انجام تحقیقی با عنوان سرزندگی در تهران اعلام کرد: ۹۹.۷ درصد تهرانی‌ها سرزنده نیستند و یا به عبارتی افسرده هستند و فقط ۳ دهم درصد از مردم این شهر سطح مطلوبی از سرزندگی دارند. مهاجرت از کشور بر اساس یک نظرسنجی به آرزوی اول صدها دانشجویان بدل شده است. در چنین شرایطی که مردم فشار اقتصادی را هر روز با گوشت و پوست خود احساس می‌کنند، دولت کماکان به انتشار آمارهایی از رشد اقتصادی و بهبود وضع معیشت مردم ادامه می‌دهد. محسن منصوری، معاون اجرایی رئیس جمهوری مدعی شد که دولت سیزدهم در هر حوزه‌ای عملکرد قابل قبولی دارد و در بیش از ۵۰ شاخص اقتصادی وضع دولت از قبل بهتر شده است. هرچند سخنان مدیرمسئول کیهان که مدعی شد: «گران شدن دلار، خودرو، پنیر، مسکن، بلیت هواپیما، دارو، مرغ، گوشت، شیر و برنج، ربطی به دولت رئیسی ندارد.» چندان محل اعتنا نیست، اما تیم رسانه‌ای و اقتصادی دولت همین راهبرد را در پیش گرفته و در قاموس دولت سیزدهم تمام مشکلات، ضعف‌ها و سوءمدیریت‌ها تقصیر دولت قبل است. اخیرا حتی وزیر آموزش و پرورش نیز به‌جای تمرکز بر رشد علمی دانش‌آموزان، مدعی شد که کاهش معدل دانش‌آموزان در این دولت تقصیر دولت قبل است. ناکارآمدی دولت سیزدهم در حوزه‌های اقتصادی با وجود این حقیقت آشکار رقم خورد که فراغ بال، توجهات خاصه به این دولت و مجوزهای ویژه و آزادی عمل آن به‌ویژه در حوزه بین‌الملل و اقتصادی قابل مقایسه با دولت قبل نیست، دولت تدبیر و امید ناچار بود علاوه بر پیکار با تحریم‌کنندگان در داخل نیز با تلاش‌های تخریبی نهادهای متعدد و جریانات تندرو آتش زننده برجام دست و پنجه نرم کند.

ادعای دروغین اصولگرایان در خصوص لیست اصلاح طلبان

از اصلاح طلبان «اسب تروا» نسازید

سعید شریعتی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:
با چراغ یا بی چراغ اصلاح طلبان نه انگیزه دارند؛ نه لیست

سعید نورمحمدی: آمار اصولگرایان از اصلاح طلبان تایید صلاحیت شده، کذب است

آرمان ملی- حمید شجاعی: «۳ قاب انتخابات» شاید این گزاره بهترین روایت از شرایط انتخابات میان جریان‌های سیاسی باشد. جایی‌که اصلاح‌طلبان، اصولگرایان و معتدلین یا مستقلین ۳ جریان اصلی انتخابات را تشکیل داده‌اند و هر یک به فراخور شرایط و موقعیت خود در زمان فعلی به مقوله انتخابات می‌پردازند. شرایطی که برای هر یک از این جریانات متفاوت و در چارچوب‌های خود تعریف‌پذیر است. اصولگرایان که ماه‌هاست فعالیت‌های انتخاباتی خود را آغاز کرده‌اند و از مرحله احراز و تایید صلاحیت‌ها نیز گذشته و به‌دنبال بستن لیست و ائتلاف و اتحاد هستند، امری که به‌نظر نمی‌رسد در نهایت بدان دست پیدا کنند. اما اصلاح‌طلبان دقیقا شرایط دگرگونه‌ای دارند و بر خلاف جریان رقیب آن طور که خود گفته‌اند اساسا امکان حضور در انتخابات را ندارند و لذا بر همین مبنا عده‌ای مثل حزب اتحاد ملت سیاست کناره‌گیری از انتخابات را پیش گرفته و اساسا شرایط را برای مشارکت مهیا نمی‌بینند و عده دیگر نیز همچون کارگزاران سازندگی معتقد به مشارکت حتی در حداقلی‌ترین شرایط هستند. اما اینکه اصلاح‌طلبان بخواهند به‌دنبال کنش فعال انتخاباتی باشند و لیستی ارائه کنند به‌نظر نمی‌رسد که جنبه واقعیت به خود بگیرد. چراکه با توجه به رد صلاحیت‌های گسترده از اصلاح‌طلبان و همچنین احتمال کم بازگرداندن رد شده‌ها از سوی شورای نگهبان نمی‌توان چندان انتظار انتشار لیست و مشارکت فعال انتخاباتی از سوی اصلاح‌طلبان داشت. قاب سوم نیز اعتدالیون یا مستقلین هستند که نه مثل برخی اصلاح‌طلبان رویکرد عدم مشارکت پیش گرفته‌اند و نه مانند اصولگرایان همه کاندیداهای خود را تایید شده داشته باشند و به‌دنبال لیست‌بندی بروند. معتدلین در میانه راه ایستاده‌اند و از طرفی معتقد به مشارکت فعال هستند و منتظر نرمش شورای نگهبان تا بتوانند کنش فعال و موثری در انتخابات پیش بگیرند و از طرف دیگر مطرح می‌کنند که اگر شرایط به همین نحو پیش برود آن طور که باید و شاید نمی‌توانند به مشارکت بپردازند. چنانکه چندی پیش حسن روحانی رئیس جمهور پیشین نیز در همین راستا گفته بود که «امروز؛ روز امتحان شورای نگهبان است.» حال نکته اینجاست که صحنه انتخابات ثابت است و در حالت عادی برای همه یکسان؛ اما چگونه است که در همین انتخابات به قدری از اصولگرایان تایید صلاحیت می‌شوند که برای بستن لیست واحد مشکل دارند و به چند لیستی رسیده‌اند و بالعکس در همین انتخابات به قدری از اصلاح‌طلبان و اعتدالیون رد صلاحیت کرده‌اند که توانایی بستن یک لیست ائتلافی را هم ندارند. این سخن هم که برخی چهره‌های اصولگرا مطرح می‌کنند که اصلاح‌طلبان نیروهای زیادی برای بستن لیست و فعالیت انتخاباتی دارند بیشتر به طنز و مزاح شبیه است تا واقعیت. به هر جهت در شرایطی که همه از لزوم مشارکت در انتخابات صحبت می‌کنند به نظر می‌رسد که باید مولفه‌های مشارکت را تحقق بخشید که یکی از مولفه‌های مهم همین تجدیدنظر شورای نگهبان در کاندیداهای رد شده است.

اصلاح‌طلبان لیستی ندارند که بتوانند ارائه کنند

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در خصوص اظهارات برخی چهره‌های اصولگرا در خصوص اینکه اصلاح‌طلبان در انتخابات لیست کامل دارند و کنش سیاسی خواهند داشت، اظهار داشت: این نوع موضع‌گیری از جانب جاماندگان جناح راست و لیست‌های برنده‌ای است که در خودشان مطرح می‌شود. در واقع برآورد و تخمینی که آنها دارند این است که با شرایط موجود در انتخابات احتمال بسیار زیاد لیست‌هایی مثل پایداری شانس برنده‌شدن دارند. سعید شریعتی به «آرمان ملی» گفت: چندی پیش از یکی از چهره‌های اصولگرا که نماینده مجلس است پرسیدم که گفت اگر سطح مشارکت در تهران بین ۱۰ تا ۱۲ درصد باشد لیست قالیباف در مقابل لیست پایداری شانسی ندارد. حال در این بین برخی چهره‌های اصولگرا دارند از بیان آسیب تروا برای اصلاح‌طلبان استفاده می‌کنند تا از اصلاح‌طلبان یک لولویی بسازند که اگر ما چند لیست هم بدهیم اصلاح‌طلبان با یک لیست می‌توانند ما را شکست دهند. عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت بیان کرد: اصلاح‌طلبان اصلا لیستی ندارند که بتوانند ارائه کنند. لذا این حرف‌ها بیشتر به درد مصارف داخلی جناح اصولگرا می‌خورد. وی افزود: من نمی‌دانم که در نهایت جمع‌بندی نهایی اصلاح‌طلبان چه می‌شود اما آن طور که رئیس و سخنگوی جبهه اصلاحات انجام داده و می‌دهند این است که هیچ انگیزه‌ای برای اینکه در این انتخابات فعالیت با چراغ یا بدون چراغ انجام دهند دیده نمی‌شود. شریعتی اذعان کرد: این مسائل موضوعیت و طریقتی برای پایگاه اجتماعی نیروهای اصلاح‌طلب ندارد. این هم که همان اوایل جبهه اصلاحات اعلام کرد که ما توصیه‌ای نداریم برای این بود که چشم‌انداز روشن بود و ما می‌دانستیم که هیأت اجرایی تندتر از هیأت نظارت عمل خواهند کرد. وی تصریح کرد: به طور کلی ۳۵ نفر حاضر هستند که اصلا جا ندارد که بخواهیم برای اینها عِده و عده فراهم کنیم. اینها نیز نیاز به کار سیاسی و حزب و گروه ندارند امثال آقای پزشکیان، مطهری و نوبخت نیازی به حمایت از سوی احزاب اصلاح‌طلب ندارند و خودشان معروف هستند.

امکان ائتلاف نیست

یک عضو شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان در خصوص احتمال ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدالیون برای بستن لیست اظهار داشت: به‌نظر من در حال حاضر امکان ائتلاف نیست چون اصلا کاندیدایی وجود ندارد. کاندیداهایی که در شهرستان‌ها تایید صلاحیت شده‌اند؛ عمدتا توسط همه اصلاح‌طلبان حتی کسانی‌که گرایش‌های تندتری دارند به‌طور طبیعی مورد حمایت قرار خواهند گرفت. اما تا جایی‌که من در جریان هستم با این شرایط به‌طور گسترده‌تر و در مراکز استان‌هایی مثل تهران، احزاب اصلاح‌طلب و اعتدالی به‌دنبال دادن لیست و ائتلاف نیستند. سعید نورمحمدی در خصوص اظهارات برخی اصولگرایان که از لیست کامل اصلاح‌طلبان برای انتخابات پیش‌رو خبر داده‌اند، بیان کرد: آمار و ارقام درباره ثبت‌نام‌ها و تایید صلاحیت کاندیداهای اصلاح‌طلب از اساس کذب است. کسانی‌که چنین ادعاهایی را مطرح می‌کنند خودشان هم می‌دانند که حرفشان واقعی نیست و به‌همین دلیل در نهایت سخنگوی جریان اصلاحات آقای ترقی می‌شود و درباره لیست اظهارنظر می‌کند. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: من از همه دوستان اصولگرایی که ادعا می‌کنند اصلاح‌طلبان لیست دارند که یکی گفته ۸۰۰ نفر و یک نفر دیگر گفته ۱۸۰۰ نفر، آقای ترقی هم گفته لیست کامل دارند؛ استدعا دارم لیست کامل اصلاح‌طلبانی که تایید شده‌اند را در اختیارمان قرار دهند که خودمان هم از آن اطلاع داشته باشیم. وی عنوان کرد: در گفت‌وگویی که با برخی از احزاب و گروه‌ها داشتم این پیشنهاد از طرف حزب «ندای ایرانیان» مطرح شده که کاندیداهایی که در تهران بوده و شانس دارند، به برخی شهرستان‌های دیگر جابه‌جا شوند. منتهی دوستان از قانون جدید انتخابات نگرانی دارند، چون طبق آن افرادی که علاقه‌مند به تغییر حوزه انتخابیه خود هستند باید مجددا صلاحیت‌شان توسط شورای نگهبان بررسی شود. به‌همین علت کاندیداها ریسک نمی‌کنند که حوزه انتخابی‌شان را تغییر دهند که دچار رد صلاحیت شورای نگهبان نشوند. وی تصریح کرد: ما از همه کاندیداهای اصلاح‌طلب که رد صلاحیت شده بودند خواهش کردیم اعتراض کنند، اما متاسفانه بخشی از آنان این اعتراض را بی‌فایده دانسته و اعتراض نکردند. برخی از افراد هم اعتراض کردند که آمار دقیق از تعداد آنان ندارم. عضو شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان تصریح کرد: حقیقت این است که هیچ‌کس چنین امیدی ندارد. تقریبا مطمئن هستیم همین شرایط باقی می‌ماند.

اعتراف زودهنگام اصولگرایان به شکست در وحدت

شرط تازه برای لیست واحد

متکی: تا ۱۵ روز دیگر صحنه انتخابات تفاوت خواهد کرد

آرمان ملی- مطهره شفیعی: شرایط اردوگاه اصولگرایی خوب نیست. به این اظهارات منوچهر متکی توجه کنید: «درباره انتخابات پیش‌رو هم به ما خبر دادند که دوستان ما در شورای ائتلاف گویا در همین دوره هم در جلسات خود موضوع مشارکت صفر و صد را مطرح کرده‌اند که البته گویا آقای حداد از این مساله برآشفته و گفته است که چنین چیزی نباید برای نهایی کردن فهرست تهران مطرح باشد. یا اینکه دوستان ما در شورای ائتلاف چه کردند و نگاه‌شان چیست را ما نمی‌دانیم. بنابراین هنوز صحنه قابل تولید شرایط جدید است و ما فکر می‌کنیم که تا ۱۵ روز دیگر آرایش صحنه انتخابات تفاوت‌هایی خواهد کرد. ما در شورای وحدت آمادگی گفت‌وگو داریم و به خودِ دوستان هم اعلام کردیم.»

اعلام زودهنگام شکست

زودتر از پیش‌بینی‌ها شکست اصولگرایان در وحدت اعلام علتی شد. اصولگرایانی که مشخص بود در غیاب رقیب اصلاح‌طلب به سمت سهم‌خواهی رفته و دچار مشکلات زیادی می‌شوند. انتخابات مجلس یازدهم ابتدا به مذاق اصولگرایان خوش آمده بود چرا که اصلاح‌طلبان رد صلاحیت شده و در عرصه حضور نداشتند. آنها به مجلس رفتند و به تدریج چالش‌هایشان آشکار شد. ریش سپیدی هم دیگر اثری نداشت چراکه ریش سپیدان را منزوی کرده بودند و تنها راه بقایشان در قدرت حذف یکدیگر بود.

ناکام در درخواست بازگشت رقیب

اصولگرایان به‌خوبی می‌دانند در صورت غیبت اصلاح‌طلبان با دو مشکل مواجه خواهند شد. اختلاف داخلی و نرسیدن به وحدت یک مشکل و دیگری حضور حداقلی جامعه در انتخابات که مشروعیت راه‌یافتگان را زیر سوال می‌برد. برخی اصولگرایان به‌صورت واضح خواستار حضور اصلاح‌طلبان می‌شوند مانند محسن کوهکن که می‌گوید: «اینکه اصلاح‌طلبان وارد انتخابات شوند حتما می‌تواند بر آرایش انتخاباتی اصولگرایان تأثیر داشته باشد. آنها هم باید وارد انتخابات شوند، زیرا مگر نه این است که هنوز شعار آرمان‌های امام (ره) را سر می‌دهند؛ پر واضح است که یکی از مهم‌ترین آرمان‌های امام خمینی (ره) حضور مردم در انتخابات بود. به هر حال حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات باعث نشاط انتخاباتی می‌شود و تردیدی هم در این موضوع نیست.» اصلاح‌طلبان هم به‌خوبی از رویکرد اصولگرایان آشنا هستند و می‌دانند دعوت آنها از اصلاح‌طلبان برای بهبود شرایط خودشان است چراکه یک دست‌سازی نفعی برای آنها نداشت. علی باقری، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در مورد مضرات و مزایای تجربه یکدست‌سازی بعد از دو سال اظهار داشت: «به شکل کلی معتقدم، تجربه یکدست‌سازی در ساختار مدیریت اجرایی و سیاسی کشور نشان داد که اساسا ادامه این رویه امکان‌پذیر نیست. یعنی از درون آن حاکمیت یکدست شده، همان طور که در شرایط فعلی ملاحظه می‌شود، تقسیمات جدیدی رخ می‌دهد که آن یکدستی را از بین می‌برد. این در گذشته هم مشاهده شده است.» وی افزود: «خالص‌سازی عین آب شوری است که یک تشنه‌ای آن آب را می‌نوشد به امید آنکه التیام پیدا کند و تشنگی‌اش فرونشست کند، در حالی‌که آب شور این تشنگی را افزایش می‌دهد و هیچ زمان موجب سیرابی نمی‌شود.»

اعتراف یک اصولگرا به اختلافات

منصور حقیقت‌پور، اصولگرایی است که همواره جانب انصاف را دارد. او بیان داشت: قرائن و شواهد نشانگر این است که آنها با دو سه تا لیست خواهند آمد، احتمال این وجود دارد که در دو لیست یک سری آدم ثابت داشته باشند یک تعدادی افراد غیر ثابت. الان برآورد می‌شود که آنها به یک لیست نخواهند رسید، چون رقیب جدی هم در صحنه نمی‌بینند از این رو احساس می‌کنند باید رقابت در خانواده اصولگرایی نزدیک به حاکمیت (اصولگرایی که الان حاکم است) باید صورت بگیرد. وی افزود: «براساس مصاحبه آقای حداد عادل و چمران و عدم توفیق برخی افراد که می‌خواهند بین اینها و پایداری و دیگر طیف‌ها یک سازشی را ایجاد کنند آنها به لیست واحد نخواهند رسید، ولی به‌نظر می‌رسد قطعا تا نیمه دوم بهمن ماه این وضعیت تعیین تکلیف بشود.»

دولت اصولگرا هم مدعی شد

ظاهرا جریان دیگری از اردوگاه اصولگرایی چشم به کرسی‌های بهارستان دارد و آن هم دولتی‌ها هستند، حقیقت‌پور گفت: «حضور معاون پارلمانی آقای رئیسی در جلسه «مبنا» در حرم حضرت امام از جمله این موارد است. ایشان یا به دستور آقای رئیسی رفته که این نشان‌دهنده حضور آقای رئیسی در بحث انتخابات است، یا بدون نظر آقای رئیسی رفته که در این صورت باید توبیخ شود، اما ما ندیدیم آقای رئیسی ایشان را توبیخ بکند. ضمن اینکه برآورد خود بنده این است که تاکنون دولت برای پرشوری و برای حضور حداکثری مردم در انتخابات برنامه‌ای را ارائه نداده است.»

گزارش

زمان آماده‌سازی برای صلح همه جانبه اسرائیل و فلسطین فرا رسیده است؟

جزئیات طرح ۱۰ ماده‌ای اتحادیه اروپا

برخی رسانه‌های غربی به نقشه راه ۱۰ ماده‌ای جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دسترسی پیدا کرده‌اند که برای هموارکردن مسیر برای «راه‌حلی معتبر و جامع» در مناقشه اسرائیل و فلسطین آماده شده است. این سند که هنوز علنی نشده، قرار است در جلسه روز دوشنبه آینده از سوی وزرای خارجه اتحادیه اروپا مورد بحث قرار گیرد. این سند مراحلی را تشریح می‌کند که طبق اعتقاد بورل در نهایت می‌تواند صلح را در نوار غزه به ارمغان بیاورد و یک کشور مستقل فلسطینی نیز ایجاد شود. از سوی دیگر عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی صورت گیرد و امنیت طولانی مدت در منطقه تضمین شود. محور اصلی برای اجرایی کردن این نقشه راه، برگزاری «کنفرانس مقدماتی صلح» عنوان شده که «بازیگران کلیدی» آن اتحادیه اروپا، آمریکا، مصر، اردن، عربستان سعودی، اتحادیه عرب و سازمان ملل متحد خواهند بود. شرکت‌کنندگان باید به‌طور مرتب با مقامات اسرائیلی و فلسطینی که «طرف‌های درگیری» نامیده می‌شوند در تماس باشند، اما این دو در ابتدا «مجبور نخواهند بود با یکدیگر جلسه داشته باشند.» طبق این سند، نوار غزه و کرانه باختری از سوی تشکیلات خودگردان فلسطینی و سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) اداره خواهد شد. این کنفرانس یکسال فرصت خواهد داشت تا چارچوب طرح صلح را با در نظرگرفتن بازخورد همه طرف‌های درگیری، قطعنامه‌های سازمان ملل، نتیجه‌گیری شورای اتحادیه اروپا و تلاش‌های میانجی‌گری قبلی طراحی کند. پس از آماده شدن، این طرح به «طرف‌های درگیری» ارائه می‌شود و به‌عنوان مبنای اصلی مذاکرات نهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مقدمه این نقشه راه آمده است: «با توجه به شرایط کنونی و با وجود مشکلات و ابهامات آشکار، زمان آماده‌سازی برای صلح همه جانبه اسرائیل و فلسطین فرا رسیده است. این سند یک روز پس از آن مطرح شد که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل راه‌حل تشکیل دو کشور را رد کرد و قول داد به حمله نظامی به غزه تا نابودی حماس و آزادی همه اسرا ادامه دهد. نتانیاهو گفت: «ما به چیزی جز پیروزی مطلق رضایت نخواهیم داد.» اظهارات نتانیاهو بر پیشنهاد بورل و نشست آتی وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا که در آن جنگ اسرائیل و حماس در راس دستور کار قرار دارد، سایه افکند. به‌رغم درخواست‌های مکرر متحدان غربی، اسرائیل هیچ پیشنهادی را که نشان‌دهنده توقف خصومت‌ها و دادن فرصتی جدی به دیپلماسی باشد مطرح نکرده است. به گفته وزارت بهداشت غزه، حمله اسرائیل در واکنش به حملات هفتم اکتبر که از سوی حماس آغاز شد تاکنون باعث کشته‌شدن بیش از ۲۴ هزار فلسطینی شده است که بیش از ۱۰ هزار نفر آن‌ها کودک هستند. این جنگ همچنین باعث ویرانی گسترده و یک بحرانی شدید انسانی در این منطقه پرجمعیت شده است. یک مقام ارشد اتحادیه اروپا گفت: در این برهه از زمان، مقامات اسرائیلی درباره راه‌حل دو کشور صحبت نمی‌کنند. آن‌ها تنها درباره جنگ صحبت می‌کنند. آن‌ها تنها درباره هدف نظامی نابودی حماس صحبت می‌کنند. وی افزود: ما باید با آن مقابله کنیم. این مسئولیت و وظیفه ماست که فراتر از آن نگاه کنیم. طرح بورل تلاش می‌کند این وظیفه را روی کاغذ بیاورد. اگرچه نقشه راه درباره ماهیت یک طرح صلح بالقوه پیشداوری نمی‌کند، اما یک جدول زمانی منسجم برای سازماندهی یک رونده بالقوه صلح را ارائه می‌دهد. هدف آن تنها پایان دادن به جنگ کنونی نیست بلکه رسیدگی به علل ریشه‌ای است که در هفت دهه گذشته به درگیری اسرائیل و فلسطین دامن زده است. با این حال به‌نظر نمی‌رسد تمام ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا از این طرح استقبال کنند چراکه این کشورها بر سر نحوه مقابله یا حتی صحبت درباره مناقشه اختلاف نظر دارند.

۱۰ مورد پیش‌بینی شده

در این سند ۱۰ مورد پیش‌بینی شده است: نخست؛ این روند باید به ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی که در کنار اسرائیل زندگی می‌کنند منجر شود و «عادی‌سازی کامل» روابط بین اسرائیل و جهان عرب صورت گیرد. دوم؛ بازیگران بین‌المللی باید به دو طرف کمک کنند تا زمینه صلح فراهم شود و به ایجاد یک «جایگزین سیاسی احیا شده» به‌جای حماس کمک کند. سوم؛ بازیگران بین‌المللی باید «در اولین فرصت» یک کنفرانس مقدماتی صلح برای حل و فصل جنگ جاری و به‌ویژه درگیری اسرائیل و فلسطین را برگزار کنند. چهارم؛ کنفرانس باید وزرای خارجه و مدیران سازمان‌های بین‌المللی را گرد هم آورد تا درباره روند صلح گفت‌وگو کنند در حالی‌که آن‌ها «تقریبا همزمان» جلسات جداگانه‌ای با طرف‌های درگیری برگزار می‌کنند. پنجم؛ کنفرانس باید کارگروه‌هایی را تشکیل دهد و «چارچوب اولیه» طرح صلح را ظرف مدت یکسال طراحی کند. ششم؛ این طرح باید «عملا تا حد امکان» به عناصر اصلی برای یک صلح جامع، طبق قطعنامه‌های قبلی سازمان ملل متحد و تلاش‌های میانجی‌گرایانه بپردازد. هفتم؛ این طرح باید «تضمین قوی امنیتی» را برای اسرائیل و کشور آینده فلسطین «مشروط به رسمیت شناختن کامل متقابل دیپلماتیک و یکپارچه‌سازی اسرائیل و فلسطین در منطقه» ارائه کند. هشتم؛ کنفرانس باید با طرف‌های درگیری «در هر مرحله و در هر زمان» در حالی‌که طرح صلح در حال تدوین است مشورت کند. مهم این است که اگر هر یک از طرفین تصمیم به عقب‌نشینی بگیرد کار باید ادامه یابد. نهم؛ این طرح پس از آماده‌شدن، باید به اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها ارائه شود. این بر عهده آن‌ها خواهد بود که درباره متن نهایی مذاکره کنند و در نهایت به موازات این روند، شرکت‌کنندگان در کنفرانس باید برای کاهش بحران جاری انسانی، تضمین آزادی گروگان‌های اسرائیلی، جلوگیری از تشدید تنش در منطقه، تقویت مشروعیت دموکراتیک تشکیلات خودگردان فلسطین و حمایت از بازسازی غزه تلاش کنند.